



حمله ارتش تازه نفس و مجهز سرخ در استالینگراد



نمونه پوستر تبلیغاتی آلمانیها



فیلد مارشال پائولوس و ۲۱ ژنرال ارتش آلمان تسلیم روسها می شوند

رسیده بود و وسایل موتوری در برف زمین گیر شده بودند. در این میان نیروی هوایی هم به دلیل کمبود سوخت و هوای بد قادر به رساندن تجهیزات به ارتش ششم نمی شد. هیتلر هم برای آنکه به پائولوس انگیزه دهد، از راه دور به او درجه فیلد مارشالی بخشید. در واقع از آنجا که در تاریخ ارتش آلمان هیچ فرماندهی با درجه فیلد مارشالی تسلیم نشده بود، هیتلر تلویحاً به پائولوس دستور خودکشی داده بود. اما از سویی عرصه به قدری بر نفرت ارتش ششم تنگ شده بود که آنها از اجساد نفرت خودی که کشته می شدند تغذیه

حالت و کوف که او هم در استالینگراد مقاومت همه جانبه ای را در برابر ارتش آلمان به وجود آورده بود در نتیجه تلفات بسیار زیادی را تحمیل کرده بود، سعی داشت تا با نیروهای تازه نفس و مسلح خود که از جبهه های سیبری آمده بودند، از فاصله ای که دیده بانهای ارتش ششم قادر به مشاهده آنها نباشند، آهسته آهسته دایره ای رابه دور ارتش ششم تکمیل نمایند. این مهم پس از یک ماه که نبرد خانه به خانه در استالینگراد ادامه داشت، انجام شد. نبردی که نتیجه آن را تنها برای موشها جالب ساخته بود چرا که با خیل عظیم اجساد جمع نشده و روی زمین مواجه

یک ساختمان کوچک، یکطرف در حدود صد کشته می داد اما پس از آنکه آن خانه را اشغال می کرد، یک ساعت بعد به دلیل بدون فایده بودن خانه آن را رها می کرد. در واقع داستان برای هر دو طرف یکسان بود، چرا که نفرت در زیر زمین ها یا پشت پنجره ها سنگر گرفته بودند و به هر جنبه ای شلیک می کردند. چه بسیار بود مواقعی که به دلیل نداشتن دید کافی، سربازان، نفرت خودی را هدف قرار می دادند. حال در چنین شرایطی نبرد خانه به خانه در استالینگراد جریان داشت. حتی ارتش آلمان به مرکز شهر و مرکز خط آهن استالینگراد هم رسید، اما



جاسوسان روسی که در ارتش آلمان رخنه کرده بودند

می کردند. چنین شرایطی برای پائولوس قابل قبول نبود و سرانجام برخلاف دستور هیتلر و با نقض صریح فرمانهای او، در سی و یکم ژانویه و به سال ۱۹۴۳ فیلد مارشال پائولوس به همراه بیست و یک نفر ژنرال دیگر و به همراه یکصد و هشت هزار از نفرت ارتش ششم که باقی مانده بودند، تسلیم روسها شدند و بدین ترتیب نبرد استالینگراد در میان ششم شدید هیتلر و شادی و خوشحالی استالین، به پایان رسید. در واقع استالینگراد یکی از برگشت گاههای بزرگ جنگ جهانی دوم محسوب می شد که به همراه شمال آفریقا و شکست ژاپنی هادر اقیانوس آرام، برای نخستین بار از سنگینی کفه ترازوی جنگ به سود متفقین خبر می داد.

ادامه دارد



وقتی یکصد و هشت هزار سرباز ارتش ششم آلمان تسلیم می شوند



یک تانک آلمانی موسوم به پانزر مارک ۳ قدرتمندترین تانک در زمان خود بود

حال در چنین شرایطی بود که یک میلیون سرباز تازه نفس روسی که از سیبری آمده بودند و در نتیجه تجهیزات کامل زمستانی، از جمله لباس و چکمه های مخصوص داشتند، از چهار طرف حمله به ارتش ششم آلمان را آغاز کردند. ارتشی که با بیش از دویست هزار سرباز، مدت یکسال و نیم بود که مشغول جنگ بود و بسیار خسته بودند و از سوی دیگر تجهیزات زمستانی را هم نداشتند. البته هنوز دیر نشده بود و یک راه کوچک از طریق رودخانه ولگا برای فرار ارتش ششم و عقب نشینی باقی مانده بود، اما در میان تعجب شدید ژنرالهای آلمانی، این هیتلر بود که دستور داد که نفرت حتی نباید یک متر هم عقب نشینی کنند و باید تا آخرین نفس مقاومت کنند. ژنرال پائولوس که فرماندهی ارتش ششم را داشت شخصاً چند بار از مرکز فرماندهی خود با هیتلر صحبت کرد و به او التماس می کرد که به او اجازه دهد تا عقب نشینی کند و جان دویست هزار نفر را نجات دهد، اما هیتلر عقب نشینی را آن هم در برابر استالین فجیع تر از مرگ می دانست و تنها به پائولوس قول می داد تا نیروهای کمکی به زودی سر می رسند. مشکل پائولوس این بود که نفرت او نه تنها لباس کافی نداشتند بلکه از نظر غذا و مهمات هم در مضیقه بودند. سوخت هم بکلی به پایان

باز هم برای اشغال مواضع دیگر آن را ترک می کردند و روسها دوباره آن را اشغال می کردند. حال اینگونه موارد را به پشت تک تیراندازان ماهر نامیده اند. چرا که آنان با تفنگ های دوربین دار خود در یک سنگر امن می نشستند و نفرت متعلق به سوی دیگر را هدف قرار می دادند. و از دل همین نبردها بود که قهرمانان جنگی هم ظهور کردند. برای مثال زایتسوف یک سر جوخه روسی که دهقان زاده هم بود، با یک تفنگ قدرتمند و دوربین دار به تنهایی یکصد و چهل و سه نفر آلمانی را هدف قرار داده و به قتل رساند. از سوی دیگر ستوان شیفر آلمانی هم با تفنگ دوربین دار خود، در استالینگراد یکصد و بیست و هفت سرباز روسی را به قتل رساند و هر دوی این افراد به عنوان قهرمان از شخص استالین و هیتلر مدالهای افتخار و نشان شجاعت دریافت کردند. اما در حالی که نبرد تن به تن در استالینگراد رواج داشت، یک اتفاق دیگر در حال شکل گرفتن بود که آلمانها از آن خبر نداشتند و سرانجام به غافلگیر شدن آنها منجر شد.

### محاصره ارتش ششم

همانگونه که ژوکوف از ابتدا در نقشه خود طراحی کرده بود، درگیری طرفین در استالینگراد به قدری شدید و کشنده شده بود که تمرکز ارتش ششم آلمان را با بیش از دویست هزار سرباز تنها روی استالینگراد باعث شده بود.